

نگاه روز

روایت یک ناکامی



مهسا جزینی

● **جاده‌های برفی**» در جشنواره فیلم کوتاه تهران به نمایش در آمد. این فیلم آخرین ساخته هاید مرادی، مستندساز است که بعد از فیلم «پشت‌بام‌های برفی» او، دوگانه‌ای را درباره زندگی دختران روستاهای اردبیل به تصویر کشیده است و آن‌طور که خودش می‌گوید، قصد دارد آنها را به یک سه‌گانه تبدیل کند. به لحاظ مضمون، دو فیلم «پشت‌بام‌های برفی» و «جاده‌های برفی» در امتداد هم هستند. «پشت‌بام‌های برفی» وضعیت دختران روستایی در آستانه تجرد قطعی را تصویر می‌کند و «جاده‌های برفی» یک پله عقب‌تر دوران کودکی و نوجوانی آنها را نشان می‌دهد.

هایده مرادی اهل اردبیل و ساکن تهران است اما در دغدغه‌های فیلم‌سازی‌اش به موطن اصلی خود وفادار مانده است. در فیلم قبلی او یعنی «پشت‌بام‌های برفی»، او دختران میان‌سالی را به تصویر می‌کشد که ناگزیرند زندگی را در خانه‌های سنگی و زمستان‌های سخت برفی روستا در کنار خانواده سیری کنند؛ بدون روزنه و امیدی برای آینده. در شرایط فرهنگی‌ای که ازدواج تنها امکان هویت‌یابی زنان در روستاهای دورافتاده است و دختران روستایی هیچ امکانی برای ادامه تحصیل، اشتغال یا راهی برای بروز هویت فردی یا اجتماعی خود ندارند، روزمرگی این دختران بسیار طاقت‌فرساست و هر دو فیلم توانسته این روزمرگی کشار و آینده بی‌سرانجام را به‌خوبی به تصویر بکشد.



فیلم پر از نماهای کلوزآپ است؛ به‌ویژه وقتی قرار است دختران از آرزوهای خود بگویند، تصویر روی صورت و چشم‌های آنها ثابت می‌ماند که هم جزء نقاط قوت فیلم است و هم به انتقال مفاهیم فیلم کمک کرده است.

فیلم «جاده‌های برفی» در واقع حکم پلان قبل فیلم «پشت‌بام‌های برفی» را دارد؛ فیلمی که حالا به دوران نوجوانی این دختران می‌پردازد؛ دخترانی که به خاطر محدودیت‌های شرایط آموزشی و تعصب خانواده‌ها از ادامه تحصیل بازمانده‌اند. این دختران فقط تا مقطع دبستان امکان تحصیل پیدا می‌کنند و بعد از آن مجبور به ترک تحصیل می‌شوند. روستاهایشان کم‌جمعیت است و امکان احداث مدرسه در مقاطع بالاتر در آنجا وجود ندارد. دختران باید با راهی مدارس شبانه‌روزی شوند یا به روستاها و شهرهای مجاور بروند. خانواده‌ها با شرایط مالی مناسبی ندارند تا امکان تأمین هزینه‌های تحصیل در جایی دیگر را برای دختران فراهم کنند یا تعصب فرهنگی مانع این می‌شود که اجازه دهند دختران از روستا خارج شوند. تنها دختر روستایی که موفق شده موافقت خانواده را برای ادامه تحصیل در مقطع بالاتر جلب کند، مجبور است یک ساعت تا لب جاده در پرف و سرمای کشنده یاده‌روی کند. اما او هم می‌گوید خانواده حتی از پس تأمین هزینه‌های سرویس مدرسه او برنمی‌آیند و کمک هزینه مدرسه هم کفاف نمی‌دهد.

این درحالی است که مادر یکی از همین دخترها در فیلم می‌گوید که آنها هرکاری می‌کنند تا پسر خانواده بتواند به تحصیالش ادامه دهد و در آینده برای خود کسی شود! هاید مرادی این دوگانه ناکامی را روایت می‌کند؛ ناکام از تحصیل، ناکام از ازدواج، سرنوشت به‌مثابه یک بن‌بست. در جایی از فیلم همان دختری که نتوانسته بالاخره خانواده را راضی کند تا در روستایی دیگر در مقطعی بالاتر درس بخواند، از آرزوی خود می‌گوید. اینکه می‌خواهد ادامه تحصیل بدهد و عمران بخواند تا برای روستایش مدرسه بسازد شاید آن‌وقت هیچ دختری از تحصیل باز نماند، اما مخاطب فیلم می‌داند که همین آرزوی دختر هم تا چه حد محال است.

هردو فیلم «پشت‌بام های برفی» و «جاده‌های برفی» در زمستان فیلم‌برداری شده و نماهای برفی به انتقال مضامین فیلم در به‌تصویرکشیدن سرسختی زندگی پیش‌روی دختران روستایی کمک کرده است. اگرچه مستند بعدی هاید مرادی که مراحل تدوین را طی می‌کند به‌لحاظ فضای بصری کاملاً متفاوت از دوگانه قبلی است و به زندگی دختران مجرد در تهران پرداخته، اما خودش می‌گوید قصد دارد حتماً آن دوگانه را ادامه بدهد و این بار بعد دیگری از زندگی دخترکان روستاهای اردبیل را به تصویر بکشد.



اقدنار بازیگران زن بر صحنه تئاتر تهران

درخشش زنانه یا تضمین فروش

رضا آشفته: اجرای «خانه برناردا آلبا»ی فردریکو کارسیا لورکا، «شاه‌لیر» ویلیام شکسپیر و «اتاق بسته» ژان پل سارتر و حتی «کلفت‌ها»ی ژان ژنه خود یک اتفاق درخشان است که با دیدن این آثار مطرح قرن بیستم از چند منظر مختلف و درعین‌حال به‌هم‌پیوسته، ضمن برخورداری از نگاه تحلیلی درباره مسائل زنان با بازی‌های درخشان زنانه نیز رودر شد. این روزها در تهران برخی از نمایش‌نامه‌ها با مطرح‌کردن مباحث زنانه بر آن هستند که بر حضور بازیگران مقتدر زن در صحنه تأکید کنند، چون این موقعیت‌ها حس و حالت‌های جدی‌تر و انرژی فوق‌العاده‌ای را با خود به صحنه خواهند آورد. اگر نمایش‌نامه زنانه باشد و در آن مسئله عمده مربوط به جنسیت زنان باشد، این خود نشانه بازی برای حضور پررنگ‌تر زنان در آن نمایش خواهد بود و این تمایز خود می‌تواند با بررسی دقیق‌تر این حضور زنانه بازیگران را برای مخاطبان تئاتر بارزتر کند. بازیگران زن می‌توانند این روزها مقتدرانه در اجرای یک تئاتر مؤثر باشند و هرچه بر تعداد این بازیگران مقتدر در یک اجرای نمایشی افزوده می‌شود، تضمینی برای برخورداری از تعداد مخاطبان بیشتر خواهد بود و این‌گونه کمیت و کیفیت در هم کُره می‌خورد و ما شاهد افتخارات بسیاری در اجرای یک تئاتر خواهیم بود. کافی است تئاترهای در حال اجرا یا آنهایی که آماده می‌شوند برای اجرای در آذرمه‌ا را مرور کنیم تا بیشتر متوجه این امتیاز ناب در تئاتر شویم.

سه زن در خانه برناردا آلبا

دکتر علی رفیعی قرار است خانه برناردا آلبای لورکا را در تالار وحدت اجرا کند و طبق آنچه در خبرها آمده است، در این نمایش سه بازیگر زن با سابقه تئاتری که از کارنامه قابل‌تأمل و چشمگیری هم برخوردارند، حضور دارند و این حسن انتخاب از هم‌اینک تضمینی برای دیده‌شدن کار خواهد بود. رویا تیموریان، مریم سعادت و مانده طهماسبی در نمایش «خانه برناردا آلبا» که از ۱۴ آذر در تالار وحدت روی صحنه می‌رود، به ایفای نقش می‌پردازند.

نمایش «خانه برناردا آلبا»، به کارگردانی علی رفیعی، سومین اثری است که این کارگردان و طراح تئاتر ایران از نمایش‌نامه‌های لورکا، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس اسپانیایی روی صحنه می‌برد. این سه بازیگر زن پیش از این نیز با دکتر رفیعی همکاری کرده‌اند. رویا تیموریان پیش از این در نمایش «عروسی خون» و مریم سعادت در نمایش‌های «رومنو و ژولیت»، «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزاتقی‌خان فرانهای» و همچنین فیلم‌های «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» و «آقایوسف» با رفیعی همکاری داشته‌اند. مانده طهماسبی نیز در فیلم «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» علی رفیعی به ایفای نقش پرداخته است.

مفسران اغلب «خانه برناردا آلبا» به همراه دو اثر «عروسی خون» و «یرما» را سه‌گانه روستایی نام‌گذاری کرده‌اند. لورکا آن را در طرح خود برای «سه‌گانه زمین اسپانیایی» (که تا زمان گشته‌شدنش ناتمام ماند) در نظر نگرفته بود. لورکا این نمایش‌نامه



ببرد. به‌رتقدیر این بانوی تئاتر ایران همواره نامش با تضمین گیشه و فروش رقم می‌خورد و این بار هم چیزی جز این نخواهد بود، مگر کارگردان توانسته باشد انتظارات تحلیلی از نقش را از بازی رهنما برآورده کرده باشد.

در این اثر نمایشی که ساعت ۱۸ به مدت زمان ۲۱۰ دقیقه در تالار اصلی تئاترشهر روی صحنه می‌رود، مهدی سلطانی، الهام پاهنژاد، بهاره رهنما، خسرو شهرار، رحیم نوروزی، محمدصادق ملک، ناصر عاشوری، محمدرضا علی‌اکبری، حمیدرضا هدایتی، محمد صدیقی‌مهر، محبوبه تقضلی، یلدا قشقایی، سجاد بابایی، محمد صادقی، امیرحسین سرداریان، حسین ابراهیمی، سعید عظیمی، سپاس رضایی، افشین حسنلو، فرید غفاری، محمد پیرالباس، رضا ایردخواه، منصور تمیزی‌فر، حمیدرضا جهانگیری، سعید مصطفایی، میلاد پاک‌سرشت، حامد عباس‌پور، حامد آرامی، مجید قنبری، سارا خسروی و الهام قندهاری به عنوان بازیگر حضور دارند. درباره لیرشاه باید گفت: شاه‌لیر یا لیرشاه یکی از بزرگ‌ترین و ارزنده‌ترین نمایش‌نامه‌های تراژیک ویلیام شکسپیر است. شاه‌لیر شخصیت اصلی این نمایش‌نامه است که سه دختر دارد و پس از تصمیمی ناخردانه، سرزمینش را تنها بین دو دخترش تقسیم می‌کند. این تصمیم لیر بر اساس باورکردن تملق و جابولسی‌سو در دختر بزرگ‌تر و نپذیرفتن صداقت و شجاعت دختر کوچک‌تر گرفته شده است که در نتیجه به تبعید دختر کوچک‌تر، جنگ میان دو دختر دیگر و دیوانه‌شدن خود او می‌انجامد.

آز در خروج ممنوع

گیتی قاسمی که سال‌ها در سینما و تلویزیون بازیگری کرده است، اولین نمایش خود را با تهیه‌کنندگی یک خواننده و بازی نسیم ادبی هر شب ساعت ۱۸:۳۰ در تالار حافظ روی صحنه برده است. گیتی قاسمی که سابقه بازی در فیلم‌های «ویلاهای»، «سد معبر»، «امروز»، «چهارشنبه» و «سریال‌های «جراحت»، «پیامکی از دیار باقی» و «بایبخت» را در کارنامه کاری خود دارد، اولین تجربه کارگردانی خود در تئاتر را در معرض دید عموم قرار

داده است. شاید همکاری او با نسیم ادبی که با همدیگر بارها بازی کرده‌اند، این بار یک تجربه متفاوت باشد؛ ازاین‌رو که حالا قاسمی کارگردان و ادبی بازیگر است. قاسمی که فارغ‌التحصیل رشته کارگردانی از دانشگاه هنرهای زیاست، نمایش‌نامه‌ای از «ژان پل سارتر» با عنوان «no exit» (خروج ممنوع) را اجرا می‌کند. در این نمایش نسیم ادبی، فرزانه سهیلی، رضا اخلاقی‌راد و اوپس خلیل‌زاده بازی می‌کنند و سیامک عباسی، خواننده و آهنگ‌ساز پاپ، نیز تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارد تا اولین تجربه تهیه‌کنندگی او در تئاتر که پیش از این تهیه‌کنندگی و کارگردانی چند فیلم کوتاه را قطعاً مانده است، محسوب شود.

دورخ دیگری است. اتاق بسته را می‌توان بیانی دراماتیک برای «هستی و نیستی» قلمداد کرد. سه مرده پس از مرگ به‌جای جهنم در اتاقی گرفتار می‌آیند که از آن هیچ راه خروجی نیست. سارتر با تحریف تصور «جهان پس از مرگ» نزد جهان‌بینی‌های تقدیرگرا، موقعیتی عجیب ساخته که در آن مجازات محکومان نه شکنجه فیزیکی که نفس گرفتاربودن در موقعیت است. سوژه در مقابل پوچی جهان به «تهوع» دچار است. تمام اضطرابی که او در مواجهه با موقعیتی مادی با آن روبه‌روست، در این نمایش به واسطه تمام‌شدن موقعیت در مرگ و پایان آزادی او در انتخاب و عمل دوچندان شده است. جهان پس از مرگ در این نمایش همان جهان زمینی است با مسائل و مشکلات مادی که به شکل موقعیتی اگزستانسیال برای سوژه به‌طور مدام تکرار خواهد شد. در واقع این موقعیت خیالی پس از مرگ که سارتر بین سه مرده دو زن و یک مرد- برقرار کرده، همان موقعیتی است که او آن را ذات زندگی سوژه می‌داند: «هیچ گریزی از آزادی وجود ندارد. ما محکوم به آزادی هستیم». به‌هرحال می‌دانیم که نسیم ادبی یک بازیگر مقتدر و جدی است و بارها هم جایزه بازیگری گرفته و خود قاسمی هم از آن دست بازیگران جایز‌بگیر بوده است و حالا منهای جواز، این دو می‌توانند همواره مقتدرانه صحنه را مال خود کنند. فرزانه سهیلی نیز سال گذشته در جشنواره فجر برای بازی این نمایش فیزیضاً کیمش، مرتضی حسین‌زاده و کتایون سالکی هستند و می‌شود این چالش پیش‌رو را هم جدی گرفت و به تماشای کلفت‌های عزیزاد نشست، هرچند به متن ژنه وفادار نیست و ریختار آن را در این اجرا به ضرورت تغییر جنسیت‌ها برهم ریخته باشد.

یک زن در کلفت‌ها

کلفت‌های ژان ژنه برای سه زن نوشته شده است، اما علی‌الکلیه عزیزاد که آن را ساعت ۱۸:۳۰ در تالار مولوی اجرا می‌کند، به‌جای دو کلفت زن، از دو آقا استفاده کرده که می‌خواهند خانم یا صاحبکارشان را بکشند. این برداشت متفاوت هم تلنگری بر آن اقتدار زنانه است که طور دیگری سرنوشت یک زن مقتدر به نام خانم یا بتانو را رقم خواهد زد. بازیگران این نمایش هم‌لیضاً کیمش، مرتضی حسین‌زاده و کتایون سالکی هستند و می‌شود این چالش پیش‌رو را هم جدی گرفت و به تماشای کلفت‌های عزیزاد نشست، هرچند به متن ژنه وفادار نیست و ریختار آن را در این اجرا به ضرورت تغییر جنسیت‌ها برهم ریخته باشد.

هنر

زیر آسمان فیروزهای

کارگاه کارگردانی اصغر فرهادی در تهران

● **گروه هنر**: اصغر فرهادی، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان ایرانی، کارگاه کارگردانی برگزار می‌کند. به گزارش ایستنا، این کارگاه در خانه بین‌الملل بامداد به مدیریت پریسا بخت‌آور برگزار می‌شود و علاقه‌مندان به حضور در این کارگاه باید در مصاحبه حضوری آن شرکت کنند. اصغر فرهادی اخیراً در حضور در بیست‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «استکهلم» سوئد جایزه «ویژنری» این رویداد سینمایی را دریافت کرد و پس از دریافت جایزه ویژنری جشنواره استکهلم گفت: این جایزه برایم مهم است، چراکه آن را در زادگاه «اینگمار برگمن» و «آوگوست استریندبری» دریافت می‌کنم. وی همچنین درباره اکران فیلم اسپانیایی‌زبان «همه می‌دانند» در ایران نیز گفت: امکان نمایش این فیلم در ایران به سبب پوشش بازیگران وجود ندارد. خانه بین‌الملل بامداد در تشریش، خیابان غلام‌جعفری، کوی سعادت، پلاک ۴۰ واقع شده است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره‌های ۰۲۱۲۲۷۳۹۶۰ و ۰۲۱۲۲۷۱۶۵۵۱ و ۰۲۱۲۲۷۱۶۵۰۵ تماس حاصل کنند. هم‌اکنون «همه می‌دانند»، آخرین ساخته فرهادی، در اروپا در حال اکران است.

ادامه از صفحه یک

حکومت قانون و

اعدام سلطان سکه

ولی مدت آن به‌هرحال نمی‌تواند بیش از ۳۰ روز باشد و درصورتی‌که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند. این متن قانون اساسی است. به نظر می‌رسد که با وجود تأکید قانون اساسی و گذشت بیش از صد سال از نهضت مشروطیت با شعار حکومت قانون هنوز مفهوم قانون در نظام هنجاری حکمروایی کشور جای ساز نکرده و حکم امر مستحبی را دارد که عندالاقضا بهتر است به آن عمل شود؛ بنابراین برای تأمین منابع مالی اداره شهر، گروهی شهرفروشی را آغاز کردند و اکنون امری مباح و ناگزیر اعلام می‌شود؛ ولی وقتی فساد این روش آشکار می‌شود، آدرس سوداگران بزرگ شهری، البته از گروهی خاص به افکار عمومی داده می‌شود. طرفه آنکه ابتدا امضای ظلایی به رسمیت شناخته می‌شود و سپس توصیه به جابه‌جایی ادواری صاحبان آن صورت می‌گیرد. در یک مدت کوتاه ده‌ها بخش‌نامه ارزی و بانکی صادر می‌شود و سامانه‌های متعدد ایجاد می‌شود؛ سپس در پی جمشید بسم‌الله و سلطان سکه و ارتباط‌های خارجی می‌روند. هنوز در حیرتم که چرا در ایران همچنان سُرنِا از دهانه گشاد آن نواخته می‌شود. راهکار آسان‌تر حاکمیت قانون و قبول نظریه علمی است. می‌تواند سخن آن است که گفته شود باید از بحث‌های انتزاعی و تئوریک خود را براهینم و به سمت کارایی و حل مشکلات برویم. حضرات توجه ندارند که نظریه محصول تأمل در امر واقع است و از ناگجا نیامده و بدون نظریه چگونه می‌توان سمت‌وسوی کارایی و حل مشکلات را یافت. اگر نظریه‌ای نتواند یک امر واقع را تبیین کند، از اساس فاقد ارزش است. اینان چنان امر نظری را محکوم می‌کنند که گویی نظریه تأملات در عالم خلسه است یا آنکه بدون نظریه می‌توان حرکت کرد. حرکت بدون نظریه مانند حرکت در تاریکی بدون چراغ است که جز دوری از مقصد ثمری ندارد. به فرموده امام صادق (ع) هرکس که بدون بصیرت عمل کند؛ مانند کسی است که بیراهه می‌رود؛ هرچند شتاب کند از هدف دورتر شود.

ادامه از صفحه ۵

سامانه نیما برود یا بماند؟

در گذشته نقل و انتقالات به صورت آزاد انجام می‌شد و صرافی‌ها این کار را انجام می‌دادند؛ اما اکنون صرافی‌ها از این نقل و انتقال منع شده‌اند؛ به‌همین‌دلیل حجم تقاضا برای ثبت سفارش کالاها و ماشین‌آلات وارداتی بسیار بالا رفته است و در این شرایط بسیاری از کسانی که کار واردات انجام نمی‌دادند هم به دلیل استفاده از دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی وارد این عرصه شدند. اکنون با راه‌اندازی سامانه نیما این مراودات علنی است و مسلماً آمریکا آنها را رصد خواهد کرد و سعی در متوقف‌کردن مراودات تجاری و بانکی و سنگ‌اندازی در این مسیر می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که واردکنندگان محصولات ایران دیگر تمایل به تداوم همکاری با ایران ندارند و به قول معروف سری را که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند. براساس‌این‌با درنظرگرفتن تمام این جوانب، صادرات ما به‌شدت افت خواهد کرد. اگرچه دستورات پیش‌گفته دربارۀ تحریم‌های دور جدید مانع از نوسانات هیجانی بازار ارز شده است؛ ولی دست‌کم در میان‌مدت اینکه چقدر تحریم‌های جدید می‌تواند کارساز باشد، به روبرایی میان ایران و آمریکا و مواضع عملی اروپا، روسیه و چین در مقابله با این تحریم‌های وضع‌شده بستگی خواهد داشت.